

شورا، اداره شورایی، حکومت شورایی

کاظم نیکخواه

از پادکست اندیشه و سیاست

ما کمونیستهای کارگری از شورا و مجمع عمومی بطور مستمری همیشه دفاع کرده ایم و این در واقع جزئی از هویت کمونیسم کارگری تلقی میشود. کلا کمونیستها از سیستم شورایی دفاع میکنند. حکومت شورایی اداره شورایی. کنگره شوراها. این یکی از پایه های دفاع ما از آزادی و دخالتگری و تعیین کنندگی مردم در سرنوشت جامعه است. بطور مشخص ما حکومت شورایی را از دموکراسی به نحوی که در دنیای سرمایه داری غالب است تفکیک میکنیم... یعنی بر خلاف برخی جریانات که هم ظاهرا طرفدار شورا و حکومت شورایی هستند و هم طرفدار دموکراسی و مجلس موسسان و امثال اینها هستند، ما معتقدیم و نشان میدهیم که دموکراسی با حکومت شورایی نمیتواند یکی تلقی

شود و از جنبه هایی با هم در تضادند. دموکراسی به نحوی که مطرح است یعنی دموکراسی نیابتی و یا نمایندگی، حاکمیت بورژوازی یعنی طبقه سرمایه دار است اما با پشتوانه و مشروعیت رای مردم. اما حکومت شورایی خود حکومت مردم است. تعیین کنندگی مستقیم مردم در سرنوشت و در سیاستهای جامعه است. این را سعی میکنم در این بحث نسبتا کوتاه نشان دهم. این نکته را هم از همین ابتدا تاکید کنم که وقتی اینجا از حکومت شورایی صحبت میکنم همه جا منظورم حکومت شورایی در یک جامعه انسانی و سوسیالیستی است. شورا بخودی خود استثمار و ستمگری را از بین نمیرد. بلکه شورا از نظر ما جزئی از سیستم و جامعه سوسیالیستی است و به این اعتبار همه تعاریفی که در مورد انسانی

کردن جامعه از طریق شورایی مطرح می کنیم
معنی پیدا میکند.

**شورا چیست و چه خاصیتی دارد و چرا ما از آن
دفاع میکنیم؟**

اولین نکته ای که مهم است که باید تأکید کنم
اینست که شورا از کشف و شهود یا نظریه و تئوری
استنتاج نشده است. بلکه حاصل تجربیات واقعی
و عملی زندگی اجتماعی است. تاریخا و عملا
هرجا که مردم امکان عرض اندام و دخالتگری
پیدا کرده اند برای اداره زندگیشان خود را
بصورت شوراها متشکل کرده اند. اولین شوراها
در تاریخ جامعه بشری از کمون پاریس شروع شد

که در واقع یک انقلاب کارگری بود. کمون در واقع معادل شورا یا اداره شورایی است، و کمون پاریس شورای اداره کننده شهر پاریس بود و از نمایندگان شوراهای همه محلات تشکیل میشد. اما بطور مشخص تر و با عنوان و اسم شورا، شورا اول بار از دل انقلاب ۱۹۰۵ روسیه شکل گرفت و رشد کرد و سازمان شورایی و مشخصی بخود گرفت. شورای نمایندگان کارگران پترزبورگ از دل این انقلاب سر بلند کرد و نماینده صدها هزار کارگر بود. در ادامه این جنبش شورایی سال ۱۹۰۵ کارگران بود که انقلاب ۱۹۱۷ روسیه شکل گرفت و شوراها در آن نقش بسیار بارز و مهمی داشتند.

در ایران با انقلاب ۵۷ شوراها در خیلی جاها

در کارخانجات، در دانشگاهها، مدارس، ادارات و در شهر و روستا تشکیل شدند و توده مردم به این شکل اداره امور را به دست خود گرفتند. اما لازم نیست خیلی به گذشته رجوع کنیم طی همین سالهای اخیر هم بحث اداره شورایی، نظارت شورایی، و اینها بسیار در میان کارگران و در جامعه در ایران مطرح شده است و در واقع به وسط جامعه آمده است. کارگران هفت تپه بطور مشخص در اعتراضات خود شعار نان کار آزادی اداره شورایی را به همراه اسماعیل بخشی فریاد زدند، و عملاً هم تا آنجا که تحت حاکمیت حکومت اسلامی برایشان مقدور است تصمیمات خود را به صورت شورایی میگیرند و بر اساس آن حرکت میکنند. معلمان هم در ایران تشکل شورایی خود را دارند و به درجاتی شورایی

عمل میکنند. بازنشستگان هم از طریق شورایی خود را هماهنگ میکنند و تشکلهای شورایی خود را دارند. کارگران نفت در اعتراضات خود با برپایی مجمع عمومی و تصمیم گیری جمعی شکل پیشرفته ای از حرکت شورایی را به نمایش گذاشتند. مدیای اجتماعی بسیار به این روند کمک کرده است. بنابراین روشن است که این بحث که برخی مطرح میکنند که اداره شورایی و دخالتگری همه مردم در سرنوشتشان عملی نیست از جانب خود واقعیت و از جانب خود مردم پاسخ گرفته است. تازه این تجربیات اخیر که اشاره کردم زیر فشار سرکوب و در فضای اختناق است که محدودیتهای زیادی برای حرکت و تصمیمات جمعی ایجاد میکند.

اما برگردیم به این نکته که شورا به چه معناست. شورا یعنی سازمان یافتن یا ابراز وجود مستقیم و جمعی توده اعضای یک نهاد به عنوان اداره کننده و تصمیم گیرنده آن نهاد. وقتی میگوییم توده اعضای یک نهاد به عنوان تصمیم گیرنده ابراز وجود میکنند منظورمان برای نمونه مردم یک محله، یک شهر، یک استان، و یک کشور یا کارگران یک کارخانه و یک شرکت و معلمان و دانش آموزان مدارس، دانشجویان و کارکنان دانشگاه و امثال اینهاست. اساس شورا بر اداره جمعی و مستقیم توده اعضا متکی است.

ایده و شاید بشود گفت حکمت شورا از اراده جمعی و اجتماعی می آید. از نفی سلطه اقلیت بر اکثریت می آید. از تلاش و تحرک توده مردم

برای بدست گرفتن سرنوشتشان حاصل شده. باید دقت کرد که بحث بر سر وارونه کردن رابطه موجود میان اکثریت و اقلیت، یعنی سلطه اکثریت بر اقلیت نیست. بلکه ماهیت شورا کلاً نفی سلطه است. نفی حاکمیت و اعمال زور و تحمیل اراده از جانب یک فرد یا یک بخش از جامعه بر بخشی دیگر از جامعه است. اگر جامعه را جمع افرادی ببینیم که دور هم جمع میشوند تا بهتر و آزادتر و امن تر زندگی کنند، مسلط شدن و حاکمیت یک بخش بر بخش دیگر هیچ معنا و جایی در قاموس جامعه ای که انسانی باشد ندارد. اساس شورا از اینجا می آید. از محوریت جامعه. از همیاری و همکاری و همبستگی جمع، تمام جمع. یعنی فرد با اراده خود یا سر خود تصمیم نمیگیرد. جمع تعیین کننده و تصمیم گیرنده است. شورا

اولا یک جمع است. اداره جمعی را بیان میکند..
مشورت و هم نظری و میانگین نظرات کل اعضا
را نمایندگی میکند. این بسیار مهم است و به
ایده نفی دولت و حاکمیت مربوط میشود

حکومت شورایی و موجودیت اجتماعی

ثانیا و نکته بسیار مهم دیگر در مورد شورا که
معمولا در دیگر نهادهای نظارت و کنترل و اداره
و حاکمیت وجود ندارد اینست که شورا مثل
سیستم پارلمانی مردم را به آحاد و افراد متمیزه
تقسیم نمیکند بلکه موجودیت اجتماعی آنها را
برسمیت میشناسد و امکان میدهد که آنها بطور
اجتماعی و جمعی در سرنوشتشان دخیل شوند.
این تفاوت بسیار حیاتی و ماهوی ای میان شورا

و سیستم پارلمانی و امثال اینهاست. در شورا جمع مستقیما و مداوما حضور دارد و تصمیم میگیرد. شورا نماینده جمع نیست. خود جمع است. مردم یک محله همه اعضای شورای محله هستند. کارگران یک کارخانه همه اعضای شورای کارخانه خود هستند. دانشجویان و استادان و کارکنان یک دانشگاه همه اعضای مداوم شورای دانشگاه خود هستند. معلمان و دانش آموزان و کارکنان یک مدرسه اعضای دائم شورای مدرسه خود هستند. شورا فضا و امکانی ایجاد میکند که توده اعضا به عنوان یک موجودیت اجتماعی با هم مراوده و هم نظری و بحث داشته باشند و بر اساس رای و نظر جمعی تصمیم بگیرند. هر جا هم که انتخاب نمایندگانی ضروری شود این نمایندگان در هر زمان قابل حسابرسی و عزل و

جایگزینی توسط مجمع عمومی یعنی جمع اعضا هستند. نکته اساسی این است که بدانیم که شورا شکل آینده و مدرن زندگی اجتماعی است. شورا یک سازمان مستقل از جامعه و زندگی انسانها نیست. جزئی از زندگی انسانها در جامعه است. زندگی اجتماعی یعنی زندگی شورایی. با شورا مردم زندگی میکنند.

ویژگی دیگر شورا اینست که: شورا مجری دستورات یک نهاد دیگر مثلا مجلس موسسان و قوه قضائیه و امثالهم نیست. شورا یعنی جمع اعضای یک نهاد خود تصمیم میگیرد و قانون میگذارد. و خود اجرا میکنند. وقتی این را می‌گوییم باید فوراً توضیح دهیم که این بهیچ وجه به معنای این نیست که در سیستم شورایی تقسیم

کار، تخصص و حرفه ای بودن و دانش و تحقیقات و امثال اینها تعطیل میشود. برعکس شورا این امکان را فراهم میکند که اعضای شورا امکان تحصیل و تخصص و مهارت در سطوح دانشگاهی و تخصصی و بسیار بالا را در حوزه های مختلف به خوبی بدست بیاورند و برای اداره جامعه در حوزه های مختلف از آن استفاده کنند. شورا در میان اعضای خود تقسیم کار گسترده ای ایجاد میکند و هر بخشی از افراد انجام اموری را به عهده میگیرند و به مجمع عمومی که جمع همه اعضا است گزارش میدهند و دستورات و تصمیمات را هم از مجمع عمومی میگیرند.

حکومت شورایی یعنی نفی سلطه

خیلی ها امروز فکر میکنند باید الزاما کسی یا کسانی بعنوان از ما بهتران در بالای سر مردم تصمیم بگیرند و گرنه بقول آنها بلبشو میشود. ما درست عکس این را فکر میکنیم. هیچ چیز منطقی تر و منصفانه تر از این نیست که مردم خود سرنوشت خودشان را رقم بزنند و با رای و خرد جمعی در مورد آن تصمیم بگیرند. آنها که بحث بلبشو را مطرح میکنند در واقع از بهم ریختن سیستم استعمار و طبقاتی موجود نگرانند. و گرنه چه چیز از شرایط کنونی در همه کشورها پرهزج و مرج تر و بی حساب و کتاب تر و بهم ریخته تر؟! و چه چیز منطقی تر و عادلانه تر و انسانی تر از اینکه مردم خود بر سرنوشتشان حاکم باشند و در مورد زندگی خود تصمیم بگیرند؟ جامعه یعنی مردمی که دور هم جمع شده اند تا زندگی کنند

و نه اینکه استثمار و هدایت و سرکوب شوند.

سوال اساسی این است که آیا همه مردم یک جامعه میتوانند در اداره جامعه مستقیماً دخالت کنند؟ اگر نه باید نمایندگان انتخاب کنند و اگر نماینده انتخاب میکنند بنابرین همان مساله آیا پیش نمی آید که مثل سیستم پارلمانی نمایندگان از جانب جمع تصمیم میگیرند؟ آیا دخالت و تصمیم گیری مستقیم از بین نمی رود؟

این یک سوال واقعی است. اما از جانب دو طیف اساساً متفاوت مطرح میشود. آنها که از سیستم موجود دفاع میکنند این نوع سوالات و ابهام پراکنی ها را مطرح میکنند تا نشان دهند که سیستم پارلمانی موجود اوج آزادی بشر است

و نمیشود قدمی از آن فراتر گذاشت. یعنی بجز سیستم پارلمانی نمیشود به شکل دیگری دخالت گری جامعه را تضمین کرد. طیف دیگر کسانی هستند که به دلیل اینکه بجز نظامهای طبقاتی و از بالای سر مردم و پارلمان و امثال اینها تجربه دیگری سراغ ندارند، و تحت تاثیر تبلیغات مدافعان نظم موجود قرار گرفته اند، فکر میکنند دخالتگری مستقیم مردم در اداره جامعه عملی نیست و یک الیت از ما بهتران باید جامعه را اداره کنند. همانطور که قبلا اشاره کردم شورا نه از نظریه و تئوری و کشف و شهود بلکه از تجربیات عملی توده مردم بیرون آمده و از دل خود انقلابات و تجربیات مردم شکل گرفته و همین بخودی خود پاسخ به همه این ابهامات را هم میدهد. که گویا همیشه مردم باید از جانب

یک الیت از ما بهتران کنترل شوند. در شوراهای مردمی همانطور که اشاره کردم تقسیم کار وجود دارد اما تلاش اینست که افراد بطور ثابت در یک پست نمانند بلکه در پستها و موقعیتهای متفاوت و متحولی قرار گیرند. به این شکل مسئولیتهای در شورا سیال و متحرک است. یک جاهایی لازم است که اعضای شورا نمایندگان را انتخاب کنند و این نمایندگان بفرض از جانب جمع مذاکره کنند یا امری را پیش ببرند یا در سطوح بالاتری مثل اداره جامعه در تصمیم گیریها دخالت کنند و غیره. اینجا شورا نمایندگان را اعزام میکند. اما ویژگی شورا اینست که مکانیسم هایی در شورا وجود دارد که مانع یکه تازی فرد در مقابل جمع میشود. اولاً نمایندگان قابل عزلند. هر وقت اعضای شورا اراده کنند آنها را عزل و جابجا

میکنند. ثانیاً نمایندگان باید به جمع گزارش دهند و پاسخگو باشند. نمایندگان مجری تصمیمات مجمع عمومی شورا هستند. و سر خود تصمیم نمی گیرند. اینکه توده افراد بعنوان اعضای دائم شورا تعریف میشوند خود بخود اختیارات کاملی به آنها داده میشود که خود مانع یکه تازی فرد میشود. موارد دیگری را هم میشود اشاره کرد که اینجا فرصت توضیح بیشتر آن نیست.

مهمترین نکته و مساله این است که جامعه و مناسباتش در خدمت همه مردم قرار گیرد. یعنی منطق و هدف و حکمت اداره جامعه دخیل کردن همه مردم در سرنوشت و تصمیمات باشد. این اساس است. وقتی که جامعه بر این اساس و با این منطق اداره شود و روی این ریل بیفتد که

در یک جامعه انسانی، یک جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است، موانع را روز بروز کنار میزنند و امکانات دخالت گری مردم را هر روز بیشتر فراهم میکند و ابزارها و تجهیزات و امکانات و تجربیات بیشتری برای این دخالت گری فراهم میکند. همین الان ما مدیای اجتماعی را داریم که چند سال پیش اصلا کسی فکرش را هم نمیکرد که چنین ابزار دخالتگری ای بشود ایجاد کرد. این ابزار امکان مشورت و هم فکری و دخالتگری مستقیم مردم در اداره جامعه حتی از راه دور در هر کجا که هستند را بسیار افزایش داده است. مانع اساسی برای اداره شورایی جامعه مطلقا این نیست که مردم نمی توانند مستقیما سرنوشت خودشان را در دست بگیرند بلکه یک نیروهایی با زور و سرکوب و پلیس و زندان، نمیگذارند و

این مانع اصلی است. وقتی که این مانع را که طبقات حاکم بر جامعه هستند کنار بزنیم بقیه مسائل بسیار سریع حل خواهد شد. ما باید به دوره حاکمیت یک اقلیت بر جامعه پایان دهیم.

این بیش از هر زمان در دوره های انقلابی است که دیوارهای سلطه اقلیت ترک بر میدارد و توده مردم امکان عرض اندام پیدا میکنند. در تمام انقلابات وقتی که حکومتها به درجات مختلف کنار زده شده اند مردم وسیعا و مستقیما در سرنوشت جامعه سهیم میشوند و دخالتگری توده ای را در شکل شوراها شاهد هستیم. اما این فقط در انقلابات نیست که امکان تشکیل شورا و تصمیم گیری شورایی بوجود می آید. هر جا که توازن قوا به نفع مردم تغییر کند، میتوان به شیوه شورایی

تصمیم‌گیری کرد و این را در همین شرایط کنونی
در ایران هم در جاهایی شاهد هستیم.

در مورد حکومت شورایی یک نکته مهم را هنوز
اشاره نکرده‌ام و آن اینست که حکومت شورایی
از اساس یک حکومت گذراست. و از این نظر
هم با تمام حکومت‌های موجود متفاوت است.
منظور از گذرا بودن چیست؟ ببینید! کلا دولت‌ها
و حکومت‌ها ابزار سلطه اقلیت بر اکثریت بوده
اند و هستند. دموکراتیک‌ترین دولت‌ها ماهیتاً
دیکتاتوری اقلیت بر اکثریت‌اند. یک سیستم
استثمار و سود و ستمگری هست که این دولت‌ها
از آن با قانون و زندان و پلیس و زور حفاظت
میکنند. ماهیت و ضرورت وجودی دولت فقط
تنها و تنها حفظ سلطه اقلیت بر اکثریت است.

حکومت شورایی از این نظر کاملاً متفاوت است. مساله اینست که وقتی که مردم سلطه اقلیت را کنار زدند که به معنای یک تحول و یک انقلاب سوسیالیستی است، تا مدتی به دولت و حاکمیت نیاز دارند که این اقلیت تلاش دارد اوضاع را به وضع قبل برگرداند. وقتی که این تلاشها و توطئه ها عقب زده شد و یک سیستم اجتماعی و جمعی و انسانی مستقر و تثبیت شد و دیگر خطر بازگشت سیستم سرمایه داری و استثمارگری وجود نداشت، دولت شورایی هم ضرورت وجودی خودش را از دست میدهد. و دیگر حکومت و دولتی در جامعه وجود نخواهد داشت و لزومی هم نخواهد داشت و جامعه مثل یک خانواده مدرن و امروزی عمل میکند که هرکس مشغول

کاری است و همه در تصمیم گیریها دخیلند و کسی بر کسی مسلط نیست. تصور یک جامعه بدون دولت شاید برای ما که همیشه جامعه را اینگونه دیده ایم و شناخته ایم مشکل باشد. اما اگر در کارکرد دولتهای موجود در همه جای دنیا کمی دقت و تعمق کنید متوجه میشوید که همه آنها کارکردشان حفظ سلطه و حاکمیت یک اقلیت مفتخور و استثمارگر است. همین واقعیت بسادگی این را نشان میدهد که جامعه انسانی به دولت و حکومت و حاکمیت و زور و زندان نیاز ندارد و نخواهد داشت. حکومت شورایی به همین دلیل که بر خلاف دولتها و حکومتهای تاکنون موجود، حکومت اقلیت نیست، به مرور زوال خواهد یافت و جامعه از طریق تصمیم گیری جمعی و شورایی اداره خواهد شد.

و بالاخره نکته آخری که اینجا مختصراً به آن اشاره میکنم جنبش شورایی است. جنبش شورایی جنبش و تلاش و مبارزه ای است برای دفاع از ایده شورا و تصمیم گیری شورایی و عملی کردن تحول شورایی. جنبش شورایی هم اکنون در خیلی از کشورها و بویژه در ایران جریان دارد. مردمی که از مجمع عمومی دفاع میکنند، علیه دیکتاتوری فردی و سرکوب سخن میگویند و بر خرد جمعی تاکید میکنند و یک جاهایی اینگونه عمل میکنند، هرکدام گوشه هایی از این جنبش شورایی را نمایندگی میکنند. این جنبش را باید وسیعاً تقویت کرد. مجامع عمومی یعنی تجمع اعضای یک نهاد پایه شوراها را تشکیل میدهد. دخالت گری جمع عمدتاً از طریق تشکیل مجمع

عمومی صورت میگیرد و تصمیمات مجمع عمومی تصمیماتی است که شورا آنرا عملی میکند. بنابراین مجمع عمومی یک ستون و جزء جدایی ناپذیر شوراهاست. دوره کنونی با وجود پیشرفت تکنولوژی و اینترنت و مدیای اجتماعی، دوره شکوفایی جنبش شورایی است و میتواند سنگ بنای اداره شورایی را در همه جا بگذارد.*

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام